معرفی کتاب

قلبی که در آن زیسته‌ام

نگاهی به کتاب «عنصر غمگین ماه» به قلم بیتا علی‌اکبری

حیدر کاسبی
calture@khorasannews.com

«در جنگ / هر چه را از دست بدهی
در خیابان / چشمانت دنبال یک دوست می‌گردد
تا عمرت را طولانی‌تر کند...»

دیالوگ معروفی در فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» وجود دارد که در آن فرمانده خطاب به سربازش که خبر خوبی از پایان جنگ آورده، می‌گوید: «امید، چیز خطرناکیه سرباز.»

سطرهایی که در ابتدای متن آمده شعری از بیتا علی‌اکبری است. این سطرها دقیقاً مصداق همان جمله معروف فیلم است که امید را در ناامیدی توصیف کرده است.

در شعر علی‌اکبری اگرچه بخش اول غمگین و ناامیدکننده است، اما در بخش دوم سکانس از فضای جنگ به خیابان تغییر کرده و شاعر مثل یک کارگردان نور و تصویر را بر کلمه «دوست»، تنظیم می‌کند تا هم نیمه‌پر لیوان را دیده باشد و هم همراه با مخاطبانش فرود امنی را تجربه کنند.

به شعر دیگری از بیتا علی‌اکبری دقت کنید:

«به تو فکر می‌کنم / و تمام کشتی‌هایی / که در دل طوفان‌زده شب / در پیچ‌وتاب امواج گیر کرده‌اند / به‌سلامت به بندر، بازخواهند گشت.»

یک سرخوشی ناشی از فکر کردن به کسی که انتظارش را می‌کشی و همزمان، فرورفتن در خلسه‌ای طولانی و در نهایت خوش‌بین بودن به هر آن چه قرار است اتفاق بیفتد.

بیوه درخت پرتقال

علی‌اکبری در «عنصر غمگین ماه» شاعری است که وقتی اندوهی بر او نازل شده به‌جای آن که زانوی غم بغل بگیرد و اشک بریزد، شعر نوشته است.

او گاهی حواسش را به‌درستی پرت کرده و به‌جای کلمه‌ها، غم‌ها را با یکدیگر ترکیب می‌کند تا بهترین بهره‌برداری ممکن را از غم کرده باشد:

«این سنگ را از سر راه من بردار / تا غمخوار من باشی / مردی بدخلق / که مشخص نمی‌کند / با صبح‌هایی که بیدار می‌شود / چه کند؟ / چکار می‌شود کرد / برای بیوه درخت پرتقال / وقتی در شیشه مربا خواب است؟»

اندوهگین‌تر و درعین‌حال شادتر از تصویر آخری را که در شعر ارائه می‌شود و رنگ نارنجی از لابه‌لای کلمه‌ها بیرون می‌زند، آیا می‌شود از شاعر این سطرها انتظار داشت؟

غم و شادی توأمان در شعر

علی‌اکبری در شعرهایش نه‌تنها امید را از دل نومیدی بیرون می‌کشد، بلکه در اغلب سطرها شادی را نیز در اندوه می‌جوید و از این که نیمی از رخ شعرش غمگین و نیمرخ دیگرش شاد باشد، اصلاً ابایی ندارد.

شادی برای او «خوردن دم‌نوش پونه» است که بوی خوشش از کلمه‌ها بیرون می‌زند، با «کارگرهایی که گوش به زنگ درو هستند.»

علی‌اکبری کوشیده در شعرهایش غمی را به نمایش بگذارد که نه‌تنها واقعی است، بلکه آن را با تمام وجود لمس کرده است:

«با کیسه‌های آرد / زیر اندازی دوخت / برای نشستن در مزرعه / خوردن دم‌نوش پونه / با کارگرهایی که گوش به زنگ درو بودند / آسیابان سر رسیدش را زیرورو کرد / تا با النگوی شکسته / حق‌الزحمه‌شان را پرداخت کند....»

حالا یا به‌واسطه زن بودن یا اصالتی روستایی است که این غم و شادی توأمان در شعر قابل هضم است و تصنعی نمی‌نماید.

حرف آخر این که بیتا علی‌اکبری در «عنصر غمگین ماه» (همان‌طور که از اسم این مجموعه پیداست و همان‌طور که کلمه «غمگین» بر پیشانی کتاب آمده است تا کنتراست جلد را حفظ کرده و به آن شخصیت بخشد) به غم نگاهی عرفانی و گاه مقدس دارد و حزنی را روایت می‌کند که واقعی است و تا حدود زیادی برای مخاطب اش قابل لمس است:

«باید پاییز بیاید / چیزی از دهان بیفتد / چیزی به دندان گیر کند / بزنی زیر گریه / زیر تمام نامه‌هایی که نوشتی / دریانورد نبودم / دستم در پهلوی هیچ بادبانی نرفت / تا امواج را ببینم / که بالای سرت شیر یا خط می‌اندازند / اگر لامپ بودم / حتماً در پاییز روشن می‌ماندم / تا چمدانت را ببندم / تماشایت کنم / کیلومترها دورتر از طلوع این شهر.»

«عنصر غمگین ماه» دومین کتاب بیتا علی‌اکبری است که آذرماه ۱۴۰۳ توسط انتشارات «واج» منتشر شده است.

فرهنگ و هنر معاصر وام‌دار شاهکارهای شهبازیان

درباره آثار و خدمات زنده یاد استاد فریدون شهبازیان که روز گذشته دار فانی را وداع گفت

استاد فریدون شهبازیان، آهنگ ساز و موسیقی دان ایرانی روز گذشته، ۲۲ دی ۱۴۰۳ در ۸۲ سالگی به دلیل مشکلات حاد تنفسی درگذشت. فریدون شهبازیان متولد ۲۱ خرداد ۱۳۲۱ در تهران بود، در دهه ۶۰ آهنگ سازی فیلم را آغاز کرد و سابقه رهبری ارکستر ملی ایران را هم در کارنامه داشت.

فریدون شهبازیان که بود؟

فریدون شهبازیان در ۲۱ خرداد ۱۳۲۱ در تهران متولد شد. پدر او که از شاگردان ابوالحسن صبا بود، فریدون را زمانی که تنها هفت سال داشت برای یادگیری ویولن نزد عطاء... خادم میثاق فرستاد.

شهبازیان با تشویق و راهنمایی پدر خود به موسیقی علاقه پیدا کرد و در هنرستان عالی موسیقی به تحصیل پرداخت، اما در عین حال از کلاس ویولن لوئیجی پاساناری که در آن زمان، کنسرت مایستر ارکستر سمفونیک تهران بود، بهره می‌گرفت.

این هنرمند در یادگیری موسیقی استعداد خاصی داشت به همین دلیل توانست در ۱۷ سالگی، عضو ارکستر سمفونیک تهران شود و مدتی بعد به دلیل آشنایی با روح‌ا... خالقی در ارکستر گل های رادیو فعالیت خود را آغاز کند.

آغاز آهنگ سازی و انتشار نخستین آثار

او پس از چندی به عضویت ارکستر فارابی تحت سرپرستی مرتضی حنانه، فریدون ناصری و مصطفی کسروی درآمد و علاوه بر یادگیری ردیف‌های موسیقی ایرانی در ارکستر بزرگ فرهنگ و هنر به رهبری حسین دهلوی عضو شد.

بر اساس گزارشی که ایسنا منتشر کرده است، فریدون شهبازیان در سال ۱۳۴۵ با تشکیل گروه کر و ارکستر سمفونیک رادیو، به رهبری این واحد هنری برگزیده شد و اولین آثار خود را در زمینه آهنگ سازی در همین سال‌ها خلق کرد.

فریدون شهبازیان پس از گذراندن دوران سربازی در کنکور دانشکده هنرهای زیبا و رشته معماری و موسیقی شرکت کرد. او پس از قبولی به دلیل علاقه شدید به موسیقی این رشته را انتخاب کرد و با شروع فعالیت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مجموعه آثار صدای شاعر را به وجود آورد.

آهنگ سازی فیلم و تشکیل شورای موسیقی

در دهه ۶۰ شهبازیان آهنگ سازی فیلم را آغاز کرد و به همراهی علی معلم توانست در صدا و سیما، شورای موسیقی را تشکیل دهد. بعضی از فیلم‌هایی که فریدون شهبازیان آهنگ سازی موسیقی متن آن‌ها را بر عهده گرفت، شامل این موارد است:

زندگی (اصغر هاشمی ۱۳۷۶)، هیوا (رسول ملاقلی پور ۱۳۷۷)، چرخ (غلامرضا رمضانی ۱۳۷۷)، عروس رومشکان (ناصر غلامرضایی)، شام آخر، آرزوهای زمین (وحید موساییان ۱۳۸۰)، خاموشی دریا (وحید موساییان)، تنهایی باد (وحید موساییان)، معصومیت از دست رفته (داوود میرباقری ۱۳۸۲)، خانه روشن (وحید موساییان ۱۳۸۴)، گوشواره (وحید موساییان)، مستند سرزمین گمشده (وحید موساییان ۱۳۸۵)، مستند سمفونی ایران (وحید موساییان ۱۳۸۵)، اخراجی‌ها (مسعود ده نمکی ۱۳۸۵)، گلچهره (وحید موساییان ۱۳۸۹)، فرزند چهارم (وحید موساییان ۱۳۹۱)، قشنگ و فرنگ (وحید موساییان).

فریدون شهبازیان از مهر ۱۳۹۵ تا فروردین ۱۳۹۸ رهبری ارکستر ملی ایران را بر عهده داشت و پس از استعفا از مدیریت هنری و رهبری دایم ارکستر ملی ایران، به عنوان مشاور موسیقی بنیاد رودکی منصوب شد که در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ از این سمت نیز کناره‌گیری کرد.

فریدون شهبازیان در فروردین ماه امسال هنگام ضبط موسیقی یک سریال در محل استودیو بر اثر حادثه از ناحیه دست و لگن دچار شکستگی شد و ۲۱ فروردین ماه زیر تیغ جراحی رفت. او اوایل امسال مشغول ساخت موسیقی تیتراژ سریال ماه رمضانی «یاور» برای پخش از شبکه سه سیما بود. روحش شاد و یادش گرامی باد.

پهلوانِ ستیز با جعلیات شاهنامه

به مناسبت سالروز درگذشت زنده یاد دکتر ابوالفضل خطیبی، شاهنامه پژوه برجسته، نگاهی گذرا به خدمات گسترده او در زمینه کشف بسیاری از جعلیاتی که به اثر سترگ حکیم ابوالقاسم فردوسی نسبت داده می شود، داشته ایم

گروه ادب و هنر - در سال‌های اخیر و با گسترش فناوری و گسترده شدن فضای نشر آثار ادبی، بحث درباره جعلیات بسیار داغ شده است. ماجرا زمانی بغرنج می‌شود که رد پای بیت‌های جعلی را در ادبیات کهن بیابیم. مثلاً متوجه شویم یک شعر از سعدی، حافظ، مولوی، یا فردوسی زاده تخیل فرد دیگری است که هیچ امروز رد پایی از این فرد در ادبیات امروز ما نیست و او برای ماندگار شدن شعر و یا طرز فکرش به چنین حیله ای متوسل شده. اما خوشبختانه در این میان دانشمندانی در طول تاریخ حضور داشته و دارند که دست این افراد را رو می کنند. زنده‌یاد ابوالفضل خطیبی شاهنامه پژوه و ادیب هم روزگار ما از جمله همین ناجیان ادبیات به شمار می آید. بیشترین فعالیت‌ها و سخنرانی‌های این استاد برجسته زبان و ادب فارسی در زمینه پژوهش در شاهنامه فردوسی است. به بهانه سالروز درگذشت ابوالفضل خطیبی (۲۵ اردیبهشت ۱۳۳۹-۲۱ دی ۱۴۰۱) به گوشه‌ای از تحقیقات و سخنرانی‌های او درباره بیت‌های الحاقی و جعلیات شاهنامه فردوسی می‌پردازیم.

در شاهنامه بیش از هر کتاب دیگری دخل و تصرف شده!

بارها دو بیت معروف «بسی رنج بردم در این سال سی...» و «چون ایران نباشد تن من مباد...» را با نام فردوسی خوانده یا شنیده‌ایم و این بیت‌ها را با تأکید به فردوسی ارجاع داده‌ایم، اما شاهنامه‌پژوهان در انتساب این دو بیت به فردوسی تردید دارند و هریک روایت خود را از این ماجرا می‌گویند. ابوالفضل خطیبی، درباره این دو بیت دریکی از سخنرانی‌هایش این گونه گفته است: «در شاهنامه بیش از هر کتاب دیگری دخل و تصرف شده و در طول تاریخ برخی کاتبان و شاهنامه‌خوان‌ها بیت‌ها را متناسب با ذوق خودشان تغییر می‌دادند و به آن اضافه می‌کردند. این بیت‌ها گاهی بسیار هنرمندانه است و برای محقق این حوزه در بسیاری موارد، تشخیص این که این بیت سروده فردوسی باشد یا شخص دیگری، دشوار است. به لحاظ سبک‌شناسی نیز یک اشکال در این بیت وجود دارد و آن لفظ «عجم» درباره ایرانیان است. کاری نداریم که به لحاظ لغوی این واژه، واژه موهنی است، به هر حال به کار می‌رود و فردوسی و دیگران هم به کار برده‌اند اما کمتر. در سراسر شاهنامه سه بار لفظ «عجم» به کار رفته آن هم در تقابل با «عرب»؛ اما در جاهای دیگر شاهنامه به جای عجم صدها بار از ایران، ایرانیان و آزادگان استفاده شده و فقط ۳ بار لفظ عجم به کار رفته است....»

تهمت ناروای زن‌ستیزی به فردوسی

«زن و اژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از این هر دو ناپاک به» این هم یکی از بیت‌های الحاقی است که دکتر خطیبی هوشمندانه به واکاوی آن در دل تاریخ ادبیات پرداخته است. این استاد بزرگ ادبیات فارسی درباره این بیت هم استدلال‌های محکم خود را در قالب مقاله‌ای با عنوان «بیت‌های زن‌ستیزانه در شاهنامه» مطرح کرده است. در این مقاله ابتدا، غالب ابیاتی که به نوعی توهین به زن‌ها را تداعی می‌کرد، گردآوری کرده، سپس به لحاظ نسخه‌شناسی و علم تصحیح متن به این نتیجه رسیده که غالب این ابیات که سرزبان‌ها هم افتاده‌اند، سروده فردوسی نیست. او درباره همین تک بیت، بررسی‌هایی را انجام داده و این نتیجه را اعلام می‌کند که این بیت در هیچ کدام از نسخه‌های مبنای تصحیح خالقی نبوده است. یا بیت دیگری که در آن به شدت به زنان و جایگاه آن‌ها تاخته شده نیز به این نتیجه رسیده که در هیچ کدام از نسخه‌ها و حتی در چاپ‌های بی‌اعتبار شاهنامه هم چنین بیت‌هایی موجود نیست. او در خلال این تحقیقات به این نکته مهم نیز اشاره می‌کند که شاید یک سری از بیت‌های شاهنامه مفاهیمی ضدزن را در دل خود جای داده باشند، اما درباره این بیت‌ها نیز باید به این نکته مهم اشاره کرد که این بیت‌ها را نباید به عنوان دیدگاه فردوسی درباره زنان تلقی کرد، زیرا این بیت‌ها از زبان قهرمانان داستان مطرح می‌شوند نه حکیم ابوالقاسم فردوسی.

داستان‌های الحاقی

یکی از موارد دیگر که زنده‌یاد ابوالفضل خطیبی در مصاحبه‌هایش به آن اشاره کرده، نه تنها بیت‌های الحاقی، بلکه داستان‌های الحاقی است که در بطن و متن شاهنامه رسوخ کرده‌اند. به عقیده او، «ما برخی اوقات اصلاً با بیت‌های الحاقی سروکار نداریم؛ بلکه با داستان‌های الحاقی سروکار داریم؛ یعنی یک کاتبی آمده ۶،۵ صفحه، شامل صدها بیت را به شاهنامه اضافه کرده است» البته خطیبی این نکته را هم یادآور می‌شود که استاد خالقی مطلق بارها و بارها در حاشیه تصحیح‌های خود به این الحاقات، هم اشاره کرده و تصحیح نسخه دکتر خالقی مطلق را ۸۰ تا ۹۰ درصد به متن اصلی شاهنامه نزدیک می‌داند. پس با خواندن این سطرها نباید به کلی به شاهنامه فردوسی بدبین شویم، چرا که افرادی مانند خالقی مطلق‌ها و خطیبی‌ها و... این جعلیات را شناسایی کرده‌اند و تصحیحات فراوانی بر شاهنامه نوشته شده که ما را به سمت و سوی خوانش متن موثق راهنمایی می‌کند.

جعلیات در اسب‌گزینی سهراب

زنده‌یاد ابوالفضل خطیبی که سال‌ها به تحقیق و پژوهش متون ادبی پرداخته و تحقیقات او مورد تایید بسیاری از بزرگان ادبیات از جمله دکتر کزازی، دکتر ژاله آموزگار، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر حسن انوری، دکتر سجاد آیدنلو و... بوده است، در یکی از مصاحبه‌هایش در پاسخ به این سؤال که فکر می‌کنید بیت‌های الحاقی چقدر در تفکر خواننده و یا نوع عملکرد قهرمانان داستان نسبت به نسخه اصلی انحراف ایجاد کرده؟ گفته است: «به جز بیت‌های زن‌ستیزانه، در داستان رستم و سهراب که معروف خاص و عام است، همه بیت‌های مربوط به اسب‌گزینی سهراب که شبیه اسب‌گزینی رستم است، الحاقی به شمار می‌آید. کل بخش آگاهی یافتن مادر سهراب از مرگ سهراب هم الحاقی است. مثالی دیگر: وقتی «نوشزاد» پسر مسیحی انوشیروان شورش می‌کند و از رومیان و مخالفان انوشیروان کمک می‌گیرد، اعلام می‌کند که پدر من مرده و در حقیقت قصد دارد تاج و تخت را بگیرد. در چاپ «ژول مول» بیتی هست که گفته شده مادر مسیحی نوشزاد، با استفاده از گنج پادشاهی، از او حمایت مالی کرده و این نکته در کتاب‌های مختلف آمده. طبیعی است وقتی درباره تاریخ انوشیروان و شورش نوشزاد بحث می‌شود، این مسئله هم مطرح است؛ ولی در جلد هفتم که خود من تصحیح کرده‌ام، این بیت الحاقی تشخیص داده شده است و از این موارد فراوان داریم.

دروغ پراکنی درباره عرب‌ستیزی فردوسی

خطیبی در مقاله‌ای که با عنوان «بیت‌های عرب‌ستیزانه در شاهنامه» نوشته نیز، تمام بیت‌هایی را که می‌گویند ضد عرب‌هاست، جمع‌وبررسی کرده و از بیتی معروف که برخی ایرانی‌ها خیلی دوست دارند و در زبانشان شده، یاد کرده است و این که نظر داده: «ز شیر شتر خوردن و سوسمار / عرب را به جایی رسیده است کار / که تخت کیانی کند آرزو / تفو بر تو ای چرخ گردان تفو!» این بیت الحاقی است... فردوسی واقعا بیزار بوده که بیاید قوم دیگری را تحقیر کند. امروزه برخی که فکر می‌کنند فردوسی ملی‌گرایی افراطی بوده، کاملا در اشتباه هستند. درست است که فردوسی بسیار ایران دوست بوده و اصلاً هدفش، احیای هویت ایرانی و زبان فارسی بوده است؛ ولی علاقه او به هویت ملی به این شکل نیست که بخواهد قوم‌ها و ملت‌های دیگر را تحقیر کند.... این ابیات را شعوبی‌های بعد از فردوسی به شاهنامه اضافه کردند. هویت ملی در شاهنامه فردوسی مبتنی بر بنیادهای غنی و ارزشمند فرهنگی است که ویژه ایران است و در طول تاریخ تاثیر بسزایی بر ارتقای فرهنگ جهانی داشته است. فردوسی با چنین پشتوانه فرهنگی چه نیازی داشته است که هویت ملی ایرانی را در تحقیر قوم‌ها و ملت‌های دیگر جست‌وجو کند؟!

اصل برگ سبز پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به ش انتظامی ۳۶ ایران ۸۵۷ و ۸۲ به ش موتور ۱۲۴۸۳۰۹۱۰۱۷ و ش شاسی ۸۳۰۴۲۱۸۲ بنام آسیه رضازاده مقدم مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۶۱

برگ سبز موتورسیکلت تیزتک مدل ۹۴ شماره انتظامی ۷۷۳-۴۹۶۹۸ شماره تنه ۹۴۰۷۱۲۸ شماره موتور ۹۰۷۱۹۰ بنام محمد باسره مفقود و فاقداعتبار است ۱۰۵۷۴۰

برگ سبز خودرو پیکان وانت به شماره پلاک ایران ۷۴-۶۷۴ی۱۳ شماره شاسی ۸۹۱۵۹۱۴BG۱۵۵ و شماره NAAA۴۶A۸A۳C موتور ۱۱۴۸۹۰۷۲۸۰۷ به نام علی اکبر دیده بردل مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۱۶

برگ سبز، سند کمپانی و کارت تراکتور مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۸۲۴ ک ۵۸ به شماره موتور LFW۱۰۰۸۶N و شماره شاسی C۰۰۷۹۰ بنام جعفر رضائی اول هندل آباد مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۲۱

اصل برگ سبز، سند کمپانی پژو ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۴۰ ایران ۹۹۶ ج ۵۵ به شماره موتور ۱۲۴K۰۷۴۶۹۲۱ و شماره شاسی NAAM۰۱C۹FR۲۲۷۹۲۶ بنام احمد سوریان ریحانی پور مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۵۰

اصل برگ سبز پراید ۱۱۱ مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۶۹ به شماره موتور ۳۹۸۵۸۲۲ و شماره شاسی ۵۷۴۳۰۰۹۰۰۴۷۲۴۱ بنام علیرضا دهنوی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۶۱

برگ سبز موتورسیکلت تیزتک مدل ۹۴ شماره انتظامی ۷۷۳-۴۹۶۹۸ شماره تنه ۹۴۰۷۱۲۸ شماره موتور ۹۰۷۱۹۰ بنام محمد باسره مفقود و فاقداعتبار است ۱۰۵۷۴۰

برگ سبز و کارت مشخصات خودرو نیسان وانت به شماره انتظامی ۳۶ ایران ۸۹۷ و ۵۳ شماره شاسی ۲۶۱۹۴۸ tbn۱۴۰ Nazpl شماره موتور ۵۵۴۶۱۲ به نام محمد جواد مومن مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۲۵

برگ سبز موتور سیکلت نیسان ۲۰۰ مدل ۱۳۶۳ شماره انتظامی ۴۸ ع ۲۷۶ ایران ۳۳ شماره موتور ۱۲۸۵۶۰ شماره شاسی A۰۶۹۷۸ بنام سیدجواد موسوی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۲۹

سند کمپانی دستگاه مینی لودر دوراج ۷۸۱ مدل ۱۳۸۸ به شماره موتور ۱۰۰۰۵۷۲۱ و شماره اتاق ۸۵۷۸۱۰۰۳۲ بنام مصطفی سلیمانی شرشر مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۴۱

اصل برگ سبز، سند کمپانی پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۴۲ ایران ۶۵۷ ب ۲۳ به شماره موتور ۱۳۰۸۴۰۲۲۴۲۲ و شماره شاسی ۱۰۸۲۶۷۱۱ بنام امیر خلیل زاده مقدم مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۶۷۳

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سمند SE XU۷ مدل ۱۳۹۱ ش انتظامی ایران ۷۴- ۳۱۸ م ۲۷ ش شاسی NAACN۱CM۹CF۲۰۷۳۵۵ ش موتور ۱۲۴۹۱۰۶۵۶۴۴ بنام فاطمه خورشائی معینی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۵۹۴۳

اصل برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۹۱ ش انتظامی ایران ۳۶- ۳۳۲ ج ۱۱ ش شاسی S۱۴۱۲۲۲۹۱۳۲۷۶۴۳ ش موتور ۴۵۸۹۸۴۸ بنام محمدعزیزی و ابوالفضل خدیوی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۰۴

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۹۱ ش انتظامی ایران ۳۶- ۳۳۲ ج ۱۱ ش شاسی S۱۴۱۲۲۲۹۱۳۲۷۶۴۳ ش موتور ۴۵۸۹۸۴۸ بنام محمدعزیزی و ابوالفضل خدیوی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۰۴

برگ سبز، سند کمپانی و کارت تراکتور مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۸۲۴ ک ۵۸ به شماره موتور LFW۱۰۰۸۶N و شماره شاسی C۰۰۷۹۰ بنام جعفر رضائی اول هندل آباد مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۲۱

برگ سبز موتورسیکلت تیزتک مدل ۹۴ شماره انتظامی ۷۷۳-۴۹۶۹۸ شماره تنه ۹۴۰۷۱۲۸ شماره موتور ۹۰۷۱۹۰ بنام محمد باسره مفقود و فاقداعتبار است ۱۰۵۷۴۰

برگ سبز خودرو پیکان وانت به شماره پلاک ایران ۷۴-۶۷۴ی۱۳ شماره شاسی ۸۹۱۵۹۱۴BG۱۵۵ و شماره NAAA۴۶A۸A۳C موتور ۱۱۴۸۹۰۷۲۸۰۷ به نام علی اکبر دیده بردل مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۱۶

اصل برگ سبز پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به ش انتظامی ۳۶ ایران ۸۵۷ و ۸۲ به ش موتور ۱۲۴۸۳۰۹۱۰۱۷ و ش شاسی ۸۳۰۴۲۱۸۲ بنام آسیه رضازاده مقدم مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۶۱

برگ سبز و سند کمپانی وانت نیسان ۲۰۰۰ مدل ۱۳۶۳ شماره انتظامی ۴۸ ع ۲۷۶ ایران ۳۳ شماره موتور ۱۲۸۵۶۰ شماره شاسی A۰۶۹۷۸ بنام سیدجواد موسوی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۲۹

سند کمپانی دستگاه مینی لودر دوراج ۷۸۱ مدل ۱۳۸۸ به شماره موتور ۱۰۰۰۵۷۲۱ و شماره اتاق ۸۵۷۸۱۰۰۳۲ بنام مصطفی سلیمانی شرشر مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۴۱

برگ سبز، سند کمپانی، سند برگه، برگه سبز، پژو ۴۰۵GLXS رنگ نقره ای مدل ۹۱ به نام عبدالله عرب تیموری ش پلاک ۸۸۱ ه ۳۳ ایران ۳۶ به ش شاسی NAAM۱۱CAYCH۳۱۴۸۱۰ به ش موتور ۱۲۴K۰۰۷۳۸۵۸ مفقود گردیده است ۱۰۵۶۹۱

برگ سبز خودرو برلیانس BRILLANCE-H۳۳۰AT به شماره پلاک: ۱۹۲ ایران ۴۸ ه ۴۲ شماره شاسی NAPH۳۳۰-ABJ۱۰۳۵۲۹۳ و شماره موتور: BM۱۵LG۰۷۱۲۱۰ به نام فاطمه پاشایی مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۵۶۱۵

کارت کار و آمایش اینجانب خال محمد سلطانی فرزند تاج محمد به شماره اختصاصی ۱۳۷۰۸۴۷۵۳۰۵۲ در رده شغلی خدماتی مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۵۶۷۱

اصل برگ سبز، سند کمپانی پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۴۲ ایران ۶۵۷ ب ۲۳ به شماره موتور ۱۳۰۸۴۰۲۲۴۲۲ و شماره شاسی ۱۰۸۲۶۷۱۱ بنام امیر خلیل زاده مقدم مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۶۷۳

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سمند SE XU۷ مدل ۱۳۹۱ ش انتظامی ایران ۷۴- ۳۱۸ م ۲۷ ش شاسی NAACN۱CM۹CF۲۰۷۳۵۵ ش موتور ۱۲۴۹۱۰۶۵۶۴۴ بنام فاطمه خورشائی معینی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۵۹۴۳

اصل برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۹۱ ش انتظامی ایران ۳۶- ۳۳۲ ج ۱۱ ش شاسی S۱۴۱۲۲۲۹۱۳۲۷۶۴۳ ش موتور ۴۵۸۹۸۴۸ بنام محمدعزیزی و ابوالفضل خدیوی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۰۴

برگ سبز، سند کمپانی و کارت تراکتور مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۸۲۴ ک ۵۸ به شماره موتور LFW۱۰۰۸۶N و شماره شاسی C۰۰۷۹۰ بنام جعفر رضائی اول هندل آباد مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۲۱

اصل برگ سبز پراید ۱۱۱ مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۶۹ به شماره موتور ۳۹۸۵۸۲۲ و شماره شاسی ۵۷۴۳۰۰۹۰۰۴۷۲۴۱ بنام علیرضا دهنوی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۶۱

اصل برگ سبز و سند کمپانی پژو ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۴۰ ایران ۹۹۶ ج ۵۵ به شماره موتور ۱۲۴K۰۷۴۶۹۲۱ و شماره شاسی NAAM۰۱C۹FR۲۲۷۹۲۶ بنام احمد سوریان ریحانی پور مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۵۰

برگ سبز موتورسیکلت تیزتک مدل ۹۴ شماره انتظامی ۷۷۳-۴۹۶۹۸ شماره تنه ۹۴۰۷۱۲۸ شماره موتور ۹۰۷۱۹۰ بنام محمد باسره مفقود و فاقداعتبار است ۱۰۵۷۴۰

برگ سبز خودرو پیکان وانت به شماره پلاک ایران ۷۴-۶۷۴ی۱۳ شماره شاسی ۸۹۱۵۹۱۴BG۱۵۵ و شماره NAAA۴۶A۸A۳C موتور ۱۱۴۸۹۰۷۲۸۰۷ به نام علی اکبر دیده بردل مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۱۶

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۹۱ ش انتظامی ایران ۳۶- ۳۳۲ ج ۱۱ ش شاسی S۱۴۱۲۲۲۹۱۳۲۷۶۴۳ ش موتور ۴۵۸۹۸۴۸ بنام محمدعزیزی و ابوالفضل خدیوی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۵۷۰۴

برگ سبز، سند کمپانی و کارت تراکتور مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۸۲۴ ک ۵۸ به شماره موتور LFW۱۰۰۸۶N و شماره شاسی C۰۰۷۹۰ بنام جعفر رضائی اول هندل آباد مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۲۱

اصل برگ سبز پراید ۱۱۱ مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۹۷۷ ل ۶۹ به شماره موتور ۳۹۸۵۸۲۲ و شماره شاسی ۵۷۴۳۰۰۹۰۰۴۷۲۴۱ بنام علیرضا دهنوی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۶۱

اصل برگ سبز و سند کمپانی پژو ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۴۰ ایران ۹۹۶ ج ۵۵ به شماره موتور ۱۲۴K۰۷۴۶۹۲۱ و شماره شاسی NAAM۰۱C۹FR۲۲۷۹۲۶ بنام احمد سوریان ریحانی پور مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۵۰

برگ سبز، سند کمپانی سواری ریو-ال اس ۱۵۰۰ مدل ۱۳۸۵ شماره انتظامی ۴۹۰۸۹ ایران ۱۲ شماره موتور ۱۰۱۲۴۶۲ شماره شاسی NAS۶۱۰۰۲۲۶۱۱۱۴۱۱۵ بنام میلاد شیرمحمدی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۰۱

گواهی می‌شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره ۱۴۰۲۱۶۹۶۵۰۰ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۸۶۰۷۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد ۱۰۴۳۸۵

سند کمپانی، اسناد حقوقی و مالکی ماشین، برگ سبز، کارت بنزین و کارت پراید جی تی ایکس آی مدل ۸۵ رنگ سبز زیتونی به نام سعید عاشوری به شماره پلاک ۳۳۵ ایران ۳۶ و ۸۹ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۳۲۹۲۱ شماره موتور ۱۶۷۷۸۹۰ مفقود و فاقد اعتبار می باشد. ۱۰۵۶۹۸

اصل برگ سبز خودرو دوو سی یلو مدل ۱۳۷۸ به شماره انتظامی ۴۲ ایران ۷۱۹ ج ۹۲ به شماره موتور ۷۶۷۷۳۶ و شماره شاسی IR۷۸۱۶۵۰۰۹۳۱۷ بنام علی اصغر نوروزی مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۵۷۶۲

هم خودش مجانیه هم امتحانش
خراسان KHORASANET